

پرونده هسته‌ای کره شمالی و تأثیر آن بر پرونده هسته‌ای ایران

نویسنده: علی اکبر رستمی*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۱۲/۱۱

تاریخ تأیید مقاله: ۸۶/۲/۲۵

صفحات مقاله: ۱۱۷-۱۵۴

چکیده

کره شمالی از جمله کشورهایی است که پس از جنگ کره در کانون استراتژی، عملیات و دیدگاه‌های خصمانه آمریکا قرار گرفت. از این رو، آمریکا با استقرار حدود ۵۰ هزار نیروی نظامی در کره جنوبی، عملاً تهدید آشکار خود را نسبت به این کشور آغاز کرد.

لذا کره شمالی روندی را جهت مقابله احتمالی و یا جلوگیری از اقدامات خصمانه آمریکا علیه خود با شروع به فعالیت‌های هسته‌ای آغاز کرد. در این بین تحولات و اقداماتی جهت جلوگیری از هسته‌ای شدن کره شمالی بین این کشور و آمریکا به امضا رسید که کمتر پیمانی یا توافق‌نامه‌ای بین این دو کشور به توافق رسید. این مقاله ضمن بررسی ضرورت دسترسی به انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز کشورها به بررسی روند هسته‌ای شدن کره شمالی پرداخته است و اثرات برخورد با کره شمالی توسط مجامع جهانی به‌ویژه آمریکا را بر روند هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران به بحث گذاشته است.

* * * * *

کلید واژگان

سلاح هسته‌ای، کره شمالی، آزمایش هسته‌ای، استراتژی هسته‌ای

* دانشجوی دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی.

مقدمه

امروزه بسیاری از کشورهای جهان به گونه‌ای واقعی و یا ذهنی، خود را در معرض تهدیدات فیزیکی (عینی) و روانی (ذهنی) می‌بینند و برای مقابله با آنها، سعی می‌کنند از اهرم‌های قدرت خاصه قدرت نظامی استفاده کنند. همه بر این مطلوب اذعان دارند؛ بهترین راه آن است که به بازدارندگی مورد اطمینان خود در عرصه امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابند.

نکته کلیدی اینجا است که اصل بازدارندگی، منجر به بروز وضعیتی می‌شود که امروزه آن را چرخه رقابت تسلیحاتی می‌خوانند. این رقابت گاه به دلایل روانی و یا عینی، حتی به جنگ تبدیل می‌شود، در حالی که چرخه رقابت تسلیحاتی، هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد. عمده‌ترین مؤلفه‌هایی که در جنگ از آنها استفاده می‌شود، دو مقوله تفکر و تسلیحات است. بحث ما در اینجا در باره نوع خاصی از این تسلیحات است. در مورد سلاح‌هایی که در جنگ‌ها و منازعات مسلحانه به کار گرفته می‌شود، چند نکته اساسی وجود دارد:

الف - نوع سلاح‌های قابل به‌کارگیری (متعارف، نامتعارف)؛

ب - نحوه به‌کارگیری (آفندی، پدافندی)؛

ج - وسعت و حجم به‌کارگیری (محدود، نقطه‌ای، وسیع و نامحدود)؛

د - اهداف به‌کارگیری (اهداف سیاسی و نظامی).

در مورد نوع سلاح‌های قابل به‌کارگیری در جنگ و منازعات مسلحانه، دو نوع متعارف و نامتعارف قابل برشماری است که انواع متعارف آن در تمام کشورهای جهان مورد استفاده است، اما نوع نامتعارف آن (شامل تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی) تنها در اختیار تعداد معدودی کشور است.

این نوع تسلیحات، به دلیل ویژگی‌هایی که دارند، کاربرد زیادی ندارند و در طی چندین دهه گذشته، تنها موارد اندکی از به‌کارگیری آنها در جنگ وجود دارد. سلاح‌های هسته‌ای بر اساس قدرت تخریبی آنها (بازده) به‌طور کلی دو

بخش اساسی "سلاح‌های هسته‌ای استراتژیک"^۱ و "سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی"^۲ می‌باشند.

جایگاه و اهمیت تسلیحات هسته‌ای

سلاح هسته‌ای دارای عمری در حدود پنج یا شش دهه است و مطالعات بر روی اتم و اجزای آن در سال‌های قبل از ۱۹۳۰ صورت گرفته است. به دنبال تلاش دانشمندانی چون "آلبرت اینشتین"، "جی. رابرت اپنهایمر" و نظایر آنها، سرانجام در سال ۱۹۴۵ اولین سلاح هسته‌ای توسط آمریکا در صحرای لوس‌آلاموس آزمایش شد. (شلزینگر، ۱۳۷۹، ۳۵۱-۳۵۰)

پس از مدت کوتاهی بعد از آمریکا، شوروی نیز یک بمب اتمی را منفجر ساخت و آمریکاییان و اروپاییان از تصور اینکه یک جنگ جهانی جدید، با سلاح‌های اتمی میان آمریکا و شوروی برپا شود، برخورد لرزیدند. از این به بعد، "دیپلماسی اتمی" میان آمریکا و شوروی آغاز شد. (همان، ۳۶۰ و ۳۶۳)

اما کار ساخت سلاح‌های هسته‌ای تنها به آمریکا و شوروی (سابق) منحصر نشد و سه کشور فرانسه، انگلستان و چین نیز در این راه گام گذاشتند. انگلیس در سال ۱۹۵۰، فرانسه در ۱۹۶۰ و در ۱۹۷۰ چین نیز به دنبال آنها، به توان تسلیحات هسته‌ای دست یافتند. (همان، ۲۲؛ USAF Counter Proliferation Center ..., 1999, p.7)

اسرائیل بازیگر دیگری است که مشتاقانه و حریصانه به تعقیب سیاست تسلیحات هسته‌ای پرداخت و برخی بر این اعتقادند که قبل از فرانسه و انگلیس در فکر دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای بوده است و حتی عده‌ای بر این اعتقادند که به فرانسه برای دستیابی به سلاح هسته‌ای کمک رسانده است.

علی‌رغم آنکه تاکنون به جز یک مورد، از این‌گونه سلاح‌ها به صورت مستقیم در جنگ‌ها استفاده نشده است، اما نفس در اختیار داشتن چنین سلاح‌هایی برای

1. SNW = Strategic Nuclear Weapons

2. TNW = Tactical Nuclear Weapons

کشورهای دارنده یک نوع تأمین و بازدارندگی به وجود می‌آورد که کشورهای دیگر اغلب در استفاده از سلاح‌های مشابه و یا متعارف علیه آنها دچار نگرانی و تردید می‌شوند.

مجموعه تلاش‌های کشورهای مختلف جهان برای دستیابی به فناوری و تسلیحات هسته‌ای، باعث شد تا در سال ۲۰۰۶، کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، هند، رژیم صهیونیستی، پاکستان و روسیه (و کشورهای قزاقستان، بیلوروس و اوکراین که احتمالاً تسلیحات هسته‌ای را یا منهدم کرده و یا به روسیه تحویل داده‌اند) به عنوان قدرت‌های مسلم هسته‌ای شناخته شوند. همین بررسی‌ها نشان می‌دهد که کشورهایی چون بلژیک، کانادا، دانمارک، آلمان، ایتالیا، نروژ، پرتغال، اسپانیا و سوئد (اعضای ناتو) و آفریقای جنوبی، استرالیا، چک، فنلاند، ژاپن، لهستان، رومانی، سوئیس و یوگسلاوی سابق نیز کشورهایی با قابلیت‌های هسته‌ای هستند که از این توان در تولید تسلیحات هسته‌ای استفاده نکرده‌اند. همچنین از کشورهای آرژانتین، برزیل، مصر، ایران، عراق، لیبی، مکزیک، کره شمالی، کره جنوبی، تایوان و ترکیه نیز به عنوان کشورهایی که فاصله زیادی برای دستیابی به توان هسته‌ای ندارند، یاد می‌شود. (رج: قاسمی، بی‌تا)

آن‌گونه که "بولتن دانشمندان هسته‌ای" تخمین می‌زند، شمار کلاهک‌های هسته‌ای در سراسر جهان حدود ۲۷ هزار است که حدود ۱۳ هزار از این کلاهک‌ها قابلیت عملیاتی شدن دارند. حدود ۹۷ درصد زرادخانه‌های هسته‌ای متعلق به آمریکا و روسیه است. آمریکا در سال ۱۹۴۵ میلادی اولین بمب اتمی را علیه شهرهای ژاپنی هیروشیما و ناگازاکی مورد استفاده قرار داد. اتحاد جماهیر شوروی سابق اولین بمب اتمی خود را در سال ۱۹۴۹ ساخت. انگلیس در سال ۱۹۵۲ به قدرت هسته‌ای تبدیل شد و فرانسه در سال ۱۹۶۰ و چین در سال ۱۹۶۴ از دارندگان تسلیحات هسته‌ای اعلام شدند. هند برای اولین بار در سال ۱۹۷۴ یک بمب اتمی را آزمایش کرد. در سال ۱۹۸۸ پاکستان به عنوان رقیب هند، اولین

کلاهک هسته‌ای خود را ساخت. رژیم صهیونیستی نیز تاکنون در اختیار داشتن تسلیحات هسته‌ای را به صورت رسمی تأیید نکرده است. کشورهای بیشتری نیز به دنبال دستیابی به تسلیحات هسته‌ای هستند یا طرح‌هایشان را برای دستیابی به این تسلیحات کنار گذاشته‌اند. مصر در سال ۱۹۵۴ برنامه‌ای را در این زمینه آغاز کرد و پس از جنگ‌های شش روزه علیه اسرائیل در سال ۱۹۶۷ آن را پایان داد. معمر قذافی رهبر لیبی و صدام نیز به دنبال تسلیحات هسته‌ای بوده‌اند. آرژانتین و برزیل در آمریکای جنوبی هم در دهه ۸۰ میلادی تسلیحات هسته‌ای خود را کنار گذاشتند. آفریقای جنوبی نیز در دهه ۸۰ میلادی کلاهک‌های هسته‌ای خود را کنار گذاشت. احتمال اندکی پیش از پایان رژیم آپارتاید در این کشور، این کلاهک‌ها نابوده شده‌اند. (آسیا، ممشهری آنلاین، ۲۸ مهر ۱۳۸۵)

ضرورت فناوری هسته‌ای برای کشورها

یکی از نیازهای جوامع بشری و خاصه جوامع صنعتی دنیای امروز، بحث انرژی است. انرژی را می‌توان موتور محرکه صنعت رو به توسعه امروز دانست. نیاز به انرژی در سال‌های آتی بیش از پیش افزایش خواهد یافت؛ زیرا با توسعه کشورها صنایع بیشتری ایجاد می‌شود و ابعاد مصرف انرژی افزایش خواهد یافت. در حال حاضر، انرژی موردنیاز جهان از چند ماده اصلی حاصل می‌شود:

- ۱) انرژی‌های فسیلی (نفت و گاز)؛
- ۲) انرژی ذغال سنگ؛
- ۳) انرژی حاصل از گرما؛
- ۴) انرژی حاصل از باد؛
- ۵) انرژی حاصل از آب؛
- ۶) انرژی هسته‌ای.

آنچه که در حال حاضر دارای اهمیت است، سهم مصرف جهانی از این انرژی‌هاست. این سهم در سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۱۰ به شرح جدول زیر است:

(محمودی، ۲۰۰۶؛ دکتر سعید، ۱۳۸۵؛ علیخانی، ۱۳۸۴؛ ...)

سهم در تولید انرژی (درصد از کل تولید)		نوع انرژی
۲۰۱۰	۱۹۹۵	
۲/۸	۰/۲	Wind Power (انرژی بادی)
۱۲/۴	۱۳	Hydro Power (انرژی آبی)
۰/۱	—	Solar Energy (انرژی خورشیدی)
۸	۰/۹۵	Biomatter Energy (انرژی بیوماتر)
۰/۲	۰/۱۵	Geothermal Energy (انرژی گرما زمینی)
۲۳/۵	۱۴/۳	Renewable Energy (انرژیهای تجدید شدنی)

در ارتباط با جایگاه و ارزش آینده انرژی هسته‌ای و ضرورت برخورداری از آن توسط کشورها، توجه به چند مسئله مهم اجتناب‌ناپذیر است:

- ۱- جمعیت جهان از ۶ میلیارد نفر در حال حاضر، به ۸/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت.
- ۲- سهم جهان از انرژی فسیلی از ۸۷ درصد در سال ۲۰۰۰، به ۸۹ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش می‌یابد. سهم نفت از ۳۸ درصد به ۳۷ درصد کاهش خواهد یافت که یکی از علل اصلی آن، کاهش ذخایر نفتی و افزایش سهم سایر منابع انرژی است.
- ۳- تقاضا برای نفت از ۷۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۰ به ۸۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ و ۱۲۰ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید.
- ۴- لذا بحث استفاده از انرژی هسته‌ای، یکی از الزامات آینده جهانی و یک امر اجتناب‌ناپذیر است. از همین رو، آمار حاکی است که در سال ۲۰۰۰ تعداد ۴۳۸ نیروگاه هسته‌ای در دنیا فعال بوده که توان تولید برق آنها

۳۵۱ گیگاوات بوده است. آمار دیگری حاکی است که در کل دنیا ۵۴۲ نیروگاه هسته‌ای در حال فعالیت است که ۱۴۷ نیروگاه آن متعلق به آمریکا، ۱۴۶ نیروگاه نیز متعلق به کشورهای اروپایی می‌باشد که در مجموع ۵۴/۰۶ درصد از کل نیروگاه‌های جهان را دربر می‌گیرد. همچنین تعداد ۲۵۰ نیروگاه نیز در دست ساخت و یا در دست طرح و پیشنهاد است که برای سال‌های آینده در دستورکار قرار دارند. (محمودی، علیخانی و دیگران، همان)

تحولات هسته‌ای کره شمالی

کره شمالی از کشورهایی است که پس از جنگ کره، در کانون استراتژی، عملیات و دیدگاه‌های خصمانه آمریکا قرار گرفت. از این رو، آمریکا با استقرار حدود ۵۰ هزار نیروی نظامی در کره جنوبی، عملاً تهدید آشکار خود را نسبت به این کشور آغاز کرد. کره شمالی از همان سالهای اول اقدام به تأسیس کارخانه بازفرآوری هسته‌ای نمود و در سال ۱۹۹۴ طی پیمانی با آمریکا طبق شرایط حاضر به توقف برنامه‌های هسته‌ای شد، ولی به عللی آمریکا حاضر به انجام توافقات نشد و کره شمالی در سال ۲۰۰۲ برنامه مخفیانه غنی‌سازی اورانیوم را آغاز کرد و در سال ۲۰۰۳ تصمیم به خروج از پیمان منع اشاعه هسته‌ای گرفت. در ۲۷ تا ۲۹ اوت سال ۲۰۰۳ نخستین دور مذاکرات شش‌جانبه با حضور کره جنوبی، آمریکا، چین، روسیه، ژاپن و کره شمالی جهت حل و فصل اختلافات را پذیرفت که در سه دوره بدون نتیجه پایان یافت. کره شمالی در سپتامبر ۲۰۰۴ از تکمیل فرآوری ۸۰۰۰ میله سوخت هسته‌ای خبر داد و در فوریه ۲۰۰۵ خبر از در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای داد.

در ۹ اکتبر سال ۲۰۰۶، کره شمالی از اجرای نخستین آزمایش موفقیت‌آمیز سلاح هسته‌ای خود خبر داد چین این اقدام را "گستاخانه" و آمریکا آن را "تحریک‌آمیز" خواند. شورای امنیت نشست فوق‌العاده‌ای را در این خصوص

برگزار کرد.

در ۱۰ اکتبر سال ۲۰۰۶، جامعه بین‌المللی به بررسی تحریم‌های احتمالی علیه کره شمالی پرداخت. شورای امنیت بار دیگر تشکیل جلسه داد. چین در این نشست از تدابیر "تنبیهی" حمایت کرد و کره جنوبی به ارتش خود دستور داد که به حال آماده‌باش درآیند.

در ۱۱ اکتبر سال ۲۰۰۶، گزارش‌های خبری منتشر شده در ژاپن، از احتمال دومین آزمایش سلاح هسته‌ای کره شمالی خبر داد، اما مقام‌های مسئول این گزارش‌ها را تکذیب کردند.

پس از آنکه آمریکا که از برنامه غنی‌سازی کره شمالی ابراز نگرانی کرده بود، شرکت‌هایی را که به گفته آمریکا هزینه برنامه تسلیحاتی دولت کره شمالی را تأمین می‌کردند، مشمول تحریم‌هایی قرار داد، کره شمالی از مذاکرات کناره‌گیری کرد (سایت بازتاب، ۱۳۸۵). کره شمالی همچنین در سال ۲۰۰۲ اعلام کرده بود که موفق به تولید سلاح هسته‌ای شده است. منابعی نیز بر این اعتقادند که تصور می‌رود کره شمالی دارای چندین کلاهک هسته‌ای است، ولی آزمایش این کلاهک‌ها مسلم نشده است (ایرنا، ۱۳۸۵).

کره شمالی نخستین آزمایش هسته‌ای نظامی خود را در مهرماه ۱۳۸۵ انجام داد. آزمایش هسته‌ای کره شمالی قدرتی معادل ۵۵۰ تن "تری نیترو تولوئن" (TNT) داشته است که از بمب‌های هسته‌ای به‌کار گرفته شده در جنگ جهانی دوم در ژاپن به مراتب کوچکتر است (راوندی، همشهری، ۱۳۸۵). اگرچه آمریکا، ژاپن و کره جنوبی قدرت آزمایش هسته‌ای کره شمالی را به بزرگی $\frac{4}{2}$ واحد مغناطیسی اندازه‌گیری نموده‌اند و قدرت آن را برابر ۵۵۰ تن ماده منفجره برآورد می‌نمایند، اما وزیر دفاع روسیه اعلام کرده که قدرت این انفجار برابر ۱۵۰۰۰ تن بوده، یعنی برابر قدرت بمب اتمی آمریکا که در هیروشیما ژاپن فرود آمد. تاکنون بیشترین قدرت آزمایش بمب هسته‌ای مربوط به فرانسه بوده است که به میزان ۱۲۰۰۰۰

تن بوده که در سال ۱۹۹۶ در ۷۵۰ مایلی جنوب شرقی مستعمره هائیتی آزمایش شده است. (سایت بازتاب، ۱۷ مهر ۱۳۸۵)

بدین ترتیب، کره شمالی با آزمایش هسته‌ای که انجام داد، نهمین کشوری است که ظاهراً به حلقه در حال گسترش دارندگان تسلیحات هسته‌ای پیوسته است (آسیا، همشهری، ۲۸ مهر ۱۳۸۵). اما مسئله مهم این است که «کشور کره شمالی، علی‌رغم درگیری با مشکلات و تنگناهای اقتصادی بسیار، به مذاکرات هسته‌ای ادامه نداد و دست به آزمایش هسته‌ای زد». در اینجا باید در پی عللی بود که باعث شد کره شمالی آزمایش سلاح هسته‌ای خود را به رها شدن از چنبره مشکلات عدیده ناشی از تحریم‌های آمریکا، ترجیح دهد. بدیهی است که این علل باید ارزش چنین معامله و ریسکی را برای کره شمالی داشته باشند.

برای پی بردن به این علل بنیادین، دیدگاه‌هایی وجود دارد که یکی از آنها سه عامل اساسی را برای روی آوردن کشورها به تسلیحات هسته‌ای برمی‌شمارد که شامل موارد زیر است (مفرد، ۱۳۸۵، ۵):

- ۱) انزوای سیاسی کشورها.
 - ۲) رقابت با کشورهای همجوار و همسایه (برای کسب موقعیت بهتر منطقه‌ای و جهانی).
 - ۳) منازعات و درگیری‌های تاریخی و رقابت نظامی با همسایگان.
- عده‌ای دیگر بر این اعتقادند که کشورها با دو هدف و یا دو انگیزه اصلی، به سمت هسته‌ای شدن پیش می‌روند:

- ۱) پاسخ به معمای امنیت: یعنی منجر شدن به بازدارندگی هسته‌ای.
- ۲) کسب پرستیژ: یعنی افزایش قدرت و اقتدار کشور در تأثیرگذاری بر مسائل بین‌المللی و یا تبدیل کشور به یک بازیگر مؤثر منطقه‌ای و حتی بین‌المللی. (شفیعی، ۱۳۸۵، ۱۰)

تطبیق موارد سه‌گانه بالا که از نظر نویسنده، مهمترین عامل گرایش کشورهای

جهان سوم به سمت تسلیحات هسته‌ای است، بر کشور کره شمالی چندان مشکل نیست. بنابراین می‌توان شواهد و قرائن متعددی مشاهده کرد که چرا کره شمالی خود را وارد جرگه باشگاه هسته‌ای جهان نمود:

۱- اعمال فشارهای سنگین سیاسی و اقتصادی از سوی آمریکا، ژاپن و کره جنوبی در طی بیش از شش دهه برای ساقط کردن دولت کره شمالی از درون و تمرکز نظامی در اطراف مرزهای آن، یکی از علل اصلی این قضیه است. اگر کشوری خود را در برابر تهدیدات بالقوه و یا بالفعل قدرتمندی از کشورهای همسایه و یا فرامنطقه‌ای (و یا ائتلافی از آنها) [تنها] بیابد، برای حفظ امنیت خود، ناچار است به ابزارها و روش‌های کارآمد و معتبری روی بیاورد. کره شمالی که پس از جنگ کره (در سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳) تاکنون در محاصره نظامی و تحریم همه‌جانبه آمریکایی‌ها (البته با کمک ژاپن و کره جنوبی) قرار دارد، خود را در این عرصه تنها یافته است. برای حفظ موجودیت و امنیت خود، نیاز به ابزارهای بازدارنده قدرتمندی دارد که از دید آنها، یکی از مهمترین این ابزارها، سلاح هسته‌ای است.

این قرینه از سوی دولتمردان کره شمالی نیز مطرح شده است. در بیانیه وزارت خارجه کره شمالی در این مورد گفته شده که علت این تصمیم، تهدیدهای آمریکا بوده است: «تهدید فزاینده هر روزه آمریکا در مورد یک جنگ هسته‌ای و تحریم‌ها و فشارهای رذیلانه این کشور، سبب وخامت اوضاع در شبه جزیره کره شده است. تحت شرایط کنونی که آمریکا درصدد منزوی ساختن کره شمالی است، این کشور دیگر نمی‌تواند در برابر این تحولات صرفاً نقش ناظر را بازی کند». (سایت بازتاب، ۱۱ مهر ۱۳۸۵)

همچنین روزنامه «ایندپندت» نیز این قرینه را مورد تأیید قرار داده و نوشته است: «کره شمالی اعلام کرد که به علت تهدید جنگ هسته‌ای و تحریم‌های

آمریکا، یک آزمایش هسته‌ای را انجام خواهد داد.^۱

۲- بی‌اعتمادی کره شمالی به تعهدات کشورهای طرف مذاکره با این کشور در طی مذاکرات هسته‌ای دو، چند و یا شش‌جانبه، قرینه مهم دیگری است. در متن توافقنامه مذاکرات شش‌جانبه که با حضور کره شمالی، آمریکا، چین، ژاپن، روسیه و کره جنوبی برگزار شد، کره شمالی در قبال بازگشت به "NPT"، امتیاز مهمی چون دریافت تضمین برای عدم اقدام نظامی آمریکا علیه این کشور، به رسمیت شناخته شدن فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای کره شمالی، دریافت رآکتور آب سبک و امتیازات اقتصادی را به دست آورده است که در نهایت آمریکایی‌ها به هیچ‌کدام از تعهدات خود عمل نکردند. همین بی‌اعتنایی آمریکایی‌ها به ادای تعهدات خود در قبال کره شمالی، باعث بی‌اعتماد کره شمالی به این تعهدات و یا سایر تعهدات احتمالی آینده این کشورها شد.

در متن نهایی و کامل موافقتنامه مذکور که به امضای شش کشور مورد اشاره رسیده و در سطح وسیعی مورد استقبال همه طرف‌های درگیر برنامه هسته‌ای واقع شده، ۱۴ بند گنجانده شده است که به تعهدات کره شمالی و تعهدات طرف‌های درگیر در مذاکرات و جامعه جهانی مربوط می‌شود. اکثر این بندها در مورد تعهدات طرف‌های کره شمالی است که در نهایت به هیچ‌کدام از آنها عمل نشد (سایت بازتاب، ۲۸ شهریور ۱۳۸۴):

- آمریکا تأیید کرد که هیچ سلاح هسته‌ای در شبه جزیره کره وجود ندارد و او نیز هیچ قصدی مبنی بر حمله هسته‌ای به کره شمالی یا حملات عادی ندارد.
- همچنین کره جنوبی برنامه خود در زمینه دریافت سلاح‌های هسته‌ای را بنا بر عهدنامه مشترک ۱۹۹۲؛ یعنی خلع سلاح هسته‌ای، متوقف کند، هر

۱. ایندپندنت در مطلبی با متفاوت خواندن استراتژی ایران و کره شمالی نوشت: کره شمالی به دلیل تهدید و تحریم‌های آمریکا آزمایش هسته‌ای انجام داد، خبرگزاری مهر، ۱۲ مهر ۱۳۸۵.

- چند تأکید نمود که هیچ سلاح هسته‌ای در خاک این کشور وجود ندارد.
- کره شمالی به حق خود در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید کرد.
- طرفین خاطرنشان کردند که به توافق در مورد مذاکره در وقت مناسب در زمینه به‌کارگیری رآکتور آب سبک، احترام بگذارند.
- شش کشور تعهد دادند که اصول منشور سازمان ملل متحد را به رسمیت شناخته و روابط بین‌المللی خود را در این چهارچوب به حالت عادی برگردانند.
- کره شمالی و آمریکا نیز متعهد شدند که به حاکمیت یکدیگر و روابط دوجانبه احترام کامل بگذارند و تلاش کنند روابط آنان، وضعیت عادی پیدا کند.
- ژاپن و کره شمالی متعهد شدند گام‌هایی برای عادی‌سازی روابط سیاسی بردارند و نیز با توجه به تعهدنامه پیونگیانگ درباره اختلافات گذشته و مسائل برجای مانده، صحبتی نکنند.
- شش طرف مذاکره تعهد کردند که ارتباط تجاری در زمینه انرژی، بازرگانی و سرمایه‌گذاری را به صورت دوجانبه یا چندجانبه پی‌گیری کنند.
- چین، ژاپن، کره جنوبی، روسیه و آمریکا، آمادگی خود را برای همکاری و کمک به کره شمالی در زمینه ارسال انرژی اعلام کردند. همچنین کره شمالی پیشنهاد خود در ماه جولای (۱۲ جولای ۲۰۰۵) در ارتباط با نیاز دو میلیون کیلوواتی انرژی الکتریکی را تأیید کرد.
- شش کشور متعهد شدند تلاش‌های مشترک خود را در زمینه صلح پایدار در شمال شرقی آسیا و همچنین برای برقراری یک صلح باثبات در شبه جزیره کره در موقعیت مناسب و با شرایط مورد قبول به انجام برسانند.

- همچنین شش کشور پذیرفتند که هماهنگی‌های لازم را در مورد توافق بر اصول (تعهد برای تعهد و عمل برای عمل) به انجام رسانند.
 - ۳- برخوردها و مواضع دوگانه آمریکا با مسائل هسته‌ای کشورهای مختلف را می‌توان یکی دیگر از علل اقدام کره شمالی به‌شمار آورد. اینها در حالی است که بسیاری از کشورها و رژیم‌های طرفدار آمریکا (نظیر رژیم صهیونیستی) علی‌رغم در اختیار داشتن صدها سلاح هسته‌ای و دانش هسته‌ای، از تعقیب و مجازات در امان هستند.
 - ۴- در اینجا برای پی‌بردن به جایگاه هسته‌ای در رویکرد امنیت ملی کره شمالی، چند سؤال مهم پیش می‌آید که پاسخ آنها می‌تواند اصرار کره شمالی بر دستیابی به توان هسته‌ای را تا حد قابل توجهی، توجیه نماید:
- نخستین سؤال این است که «آیا هسته‌ای شدن کره شمالی، یک استراتژی بازدارنده موفق خواهد بود؟»

پاسخ این است که ایجاد بازدارندگی معتبر از طریق تسلیحات هسته‌ای، استراتژی اصلی کره شمالی در برابر تهدیدات نظامی ایالات متحده آمریکا است. از آنجا که کره شمالی از نظر تسلیحات متعارف نظامی و توانایی‌های اقتصادی، در برابر قابلیت‌های آمریکا دارای ضعف‌های چشمگیری است، در یک جنگ متعارف ممکن است آسیب‌های جدی متحمل شده و حاکمیت خود را از دست بدهد. از این‌رو، عدم آغاز یک جنگ، بهتر از پایان آن با تلفات و خسارات غیرقابل جبران است. کره شمالی از طریق دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، بر این باور است که اقدام نظامی عملی آمریکا را به چالش کشیده است. امیدوار است که آمریکایی‌ها با محاسبه بحث «هزینه - فایده» (Cost-Benefit) از حمله نظامی علیه کره شمالی منصرف شوند. آمریکایی‌ها نیز چنین محاسبه‌ای را از نظر دور ندارند. زیرا کافی است که تنها یک موشک دوربرد کره شمالی که مجهز به کلاهک هسته‌ای است، به یکی از شهرهای بزرگ آمریکا نظیر نیویورک و یا واشنگتن برخورد کند. در

این صورت، حتی اگر کره شمالی به اشغال آمریکا نیز درآمده و رژیم حاکم بر آن ساقط شود، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آمریکا نیز غیرقابل تصور و غیرقابل تحمل خواهد بود.

قرینه دیگر را برای پاسخ به سؤال بالا، باید در مورد برخورداری کره شمالی از دست بالا در مذاکرات هسته‌ای آینده دانست. پیوستن کره شمالی به باشگاه هسته‌ای جهان، این کشور را در وضعیت بسیار بهتری در مذاکرات احتمالی آینده قرار می‌دهد. با برخورداری کره از توان بالفعل هسته‌ای، این کشور می‌تواند با دست پر در مذاکرات شرکت کرده و حداقل به این مسئله مطمئن باشد که می‌تواند قدرت چانه‌زنی خود را بالا برده و به (حداقل) امتیازات لازم دست یابد.

از همین رو است که کره شمالی در خرداد ماه ۱۳۸۲ هشدار داد: «چنانچه مسائل هسته‌ای این کشور به شورای امنیت کشانده شود، تدابیر ویژه‌ای علیه آمریکا در پیش خواهد گرفت». آسوشیتدپرس از ستول گزارش داد: «کره شمالی هشدار داد که چنانچه آمریکا مسئله برنامه‌های هسته‌ای کره را به شورای امنیت سازمان ملل ببرد، این کشور تدابیر ویژه‌ای در این زمینه در نظر خواهد گرفت». این کشور راجع به چگونگی این تدابیر اطلاعاتی ارائه نداد. آمریکا، صدور بیانیه‌ای از سوی شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر محکوم کردن برنامه هسته‌ای کره شمالی و لغو کلیه برنامه‌های اتمی کره شمالی را خواستار است. «رودونگ سینمان» مدیر روزنامه دولتی کره در گفتگو با خبرگزاری رسمی این کشور گفت: «کره شمالی در مبارزه با آمریکا غیر از ایجاد یک نیروی قدرتمند نظامی، راه دیگری در پیش ندارند». بازدارندگی این اقدام کره شمالی تا حدی است که احتیاط کره جنوبی را نیز برانگیخته و وزیر امور خارجه کره جنوبی در این خصوص گفته است: «واشنگتن باید فرصت بیشتری به کره شمالی بدهد». (خبرگزاری مهر، ۳۱ خرداد ۱۳۸۲)

همچنین تحلیلگران اعتقاد دارند که این گام بلند کره شمالی، برای به سر میز کشاندن آمریکا در مذاکرات رودررو و مستقیم، بدون دخالت شش کشور درگیر

می‌باشد. کاری که کره شمالی با قدرت قهریه، قصد انجام آن را دارد. (سایت بازتاب، ۱۷ مهرماه ۱۳۸۵)

وزیر امور خارجه آلمان نیز دیدگاه مشابهی دارد. "فرانک والتر اشتاین مایر" بر این اعتقاد است که «کره شمالی به دنبال جایگاهی در سیاست خارجی برای خود است». به اعتقاد وزیر امور خارجه آلمان، آزمایش اتمی اخیر کره شمالی، حاکی از آن است که پیونگ یانگ به دنبال یافتن جایگاهی در عرصه سیاست جهانی برای خود است. وی گفت: «چنین به نظر می‌رسد که دوران سلاح اتمی پایان نیافته است، بلکه برعکس کره شمالی قصد دارد با بازیهای اتمی، جایگاهی در سیاست جهانی برای خود ایجاد کند». وی افزود: «این در حالی است که اروپا و آلمان قصد دارند از خطر یک رقابت اتمی در دیگر مناطق جهان، جلوگیری کنند و آزمایش اتمی کره شمالی، میزان ضرورت این امر را نشان می‌دهد. این آزمایش و تحریک رژیم کره شمالی، معاهده منع تکثیر سلاح اتمی را به شدت نقض کرده و این آزمایش به معنای تشدید بحران در این بخش است. بدین خاطر، ما از واکنش و پاسخ صریح شورای امنیت سازمان ملل متحد نسبت به این گام غیرمسئولانه کره شمالی حمایت می‌کنیم.» (برلین، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷ مهر ۱۳۸۵)

سؤال دوم این است که «هزینه‌ها، فایده‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات استراتژی هسته‌ای، برای کره شمالی و منطقه چقدر خواهد بود؟»

اصولاً دستیابی به هر فناوری مهم و یا هر سلاح استراتژیک، در ماهیت خود دارای دو نوع تأثیر و پیامد مثبت و یا منفی و یا دربردارنده فرصت‌ها و تهدیدهایی است. مثلاً در موضوع هسته‌ای کره شمالی، دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای برای کره‌ای‌ها، دارای فرصت‌ها و تهدیداتی بوده است. مثلاً برنامه موشکی و هسته‌ای کره شمالی، بار مالی سنگینی بر اقتصاد کل کشور تحمیل کرد، اما پیشرفت‌های کره شمالی در این زمینه که در مقیاس بین‌المللی نیز چشمگیر بود، نه تنها منجر به توسعه تجارت و قابلیت فنی و علمی آن کشور در حوزه صنایع شد، بلکه فرصت‌ها و تهدیدات توأمانی را برای آن کشور در پی داشت که از جمله فرصت‌ها

می‌توان به کسب امتیازات سیاسی و دیپلماتیکی و درآمدهای حاصل از صادرات و کسب ارز خارجی اشاره کرد. اگرچه تهدیداتی نظیر افزایش همکاری‌های ژاپن، کره جنوبی و آمریکا علیه پیونگ یانگ را نیز در پی داشت و از سوی دیگر، به دلیل افزایش هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی، معیشت مردم کره روز به روز در وضعیت بدتری قرار می‌گرفت. در واقع، کره‌ای‌ها امیدوار بودند از این راه تا حدودی بار منفی فشار اقتصادی تولیدات صنعتی نظامی را تعدیل کنند، اما در مقابل پی‌گیری این برنامه، تهدیدات مهمی از جمله تشدید فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا و برخی دیگر از کشورها را به همراه داشت. با وجود این و علی‌رغم چنین سود و هزینه‌ای، کره‌ای‌ها تصمیم گرفته بودند که به‌طور راهبردی به برنامه‌های موشکی - هسته‌ای خود ادامه دهند و حتی خطر و تهدید انزوا را بپذیرند. اکنون کره‌ای‌ها توان تولید سالانه بیش از ۱۰۰ فروند موشک اسکاد را دارا هستند و موشک‌های "رودونگ - یک" آنها با برد ۱۳۰۰ کیلومتر، تهدیدی جدید برای ژاپن به‌شمار می‌رود. به علاوه آمریکا و اروپا موشک‌های دارای برد ۸۰۰۰ کیلومتری "تانه پودنگ - ۲" کره شمالی را نیز تهدیدی جدی علیه خود می‌دانند. این در حالی است که انتظار می‌رود این کشور تا سال ۲۰۱۰ توان تولید موشک‌های بالستیک بین قاره‌ای دارای کلاهک هسته‌ای را نیز کسب کند. اگرچه صنایع دفاعی کره شمالی را نمی‌تواند از توان تولید سلاح‌های شیمیایی آن جدا کرد و اخیراً نیز پیونگ یانگ بمب هسته‌ای خود را به نمایش گذاشت. ارزش صادرات موشکی کره شمالی به کشورهای جهان سوم، به‌ویژه خاورمیانه نیز بین ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار در سال برآورد شده است. بسیاری از منابع خبری و نظامی، کره شمالی را بزرگترین صادرکننده موشک به خاورمیانه می‌دانند. کره فقط تا سال ۱۹۹۶ بیش از ۵۰۰ فروند موشک عمدتاً از نوع اسکاد را به خاورمیانه ارسال کرده است. آمریکاییها کشورهای، پاکستان، ایران، عراق و سوریه را متهم کرده‌اند که طرفهای اصلی کره در این معاملات

بوده‌اند، اما مقامات تهران و سایر کشورهای ذکر شده، به‌صراحت بارها این ادعاها را رد کرده‌اند. نزدیک شدن روسیه به آمریکا در دوره "ولادیمیر پوتین"، به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به موقعیت پیونگ یانگ آسیب زده است. پیشنهادهای روس‌ها که به کلی پشت کره شمالی را خالی کرده‌اند، مانعی جدی برای مقاومت کره‌ای‌ها در مقابل آمریکا به‌شمار می‌آید. محور پیشنهادهای روس‌ها شامل دو نکته اصلی است (فتاحی، روزنامه ایران، ۱۳ آبان ۱۳۸۲):

- اصول غیرهسته‌ای شدن کشورهای حوزه آسیا- پاسیفیک باید از سوی دولتمردان آنها پذیرفته شود (این اصول عبارتند از: نداشتن، نساختن و صادر نکردن سلاح‌های هسته‌ای).
- آن دسته از کشورهای آسیایی که عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) نیستند، به این پیمان بپیوندند. این در حالی است که کره‌ای‌ها سال ۲۰۰۳ از "NPT" خارج شده‌اند.

در اینکه استراتژی بازدارندگی در همه کشورهای جهان، دارای اولویت و جایگاه خاصی است، تردیدی نیست. زیرا این استراتژی می‌تواند هزینه‌های مادی و معنوی و مستقیم و غیرمستقیم یک جنگ متعارف (و یا حتی هسته‌ای) را به شدت کاهش دهد، می‌تواند از وقوع بسیاری از منازعات مرزی بکاهد و امنیت قابل قبولی را برای یک کشور به ارمغان آورد. البته هر استراتژی بازدارندگی ممکن است از چنین ویژگی‌هایی برخوردار نباشد. زیرا استراتژی بازدارنده باید معتبر، جدی، قابل درک از سوی حریف و مهمتر اینکه قابل اجرا باشد. طبیعی است که کره شمالی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بدیهی است که تلاش برای دستیابی به استراتژی هسته‌ای، تاکنون هزینه‌های زیادی را بر کشور کره تحمیل کرده است که ناشی از تحریم و محاصره این کشور توسط آمریکا و متحدین وی در منطقه بوده است. مدت‌های مدیدی است که کره شمالی در دستورکار امنیتی و تهدیدات آمریکا (و تا حدی کره جنوبی و ژاپن) قرار گرفته است که از این منظر، زیانهای فراوانی

در ابعاد اقتصادی و اجتماعی نصیب این کشور شده است. اما به نظر می‌رسد که اتخاذ این استراتژی، حداقل چندین فایده کلی را برای کره شمالی دربرداشته است:

- این کشور را به یک بازیگر مؤثر منطقه‌ای تبدیل کرده است.
- وزن و نقش این کشور را در مذاکرات آتی بالا برده است.
- دستیابی به توافقاتی را برای این کشور تسهیل کرده است، بنابراین کره شمالی می‌تواند در مذاکرات بعدی با دست پر وارد شده و امتیازاتی را که قبلاً نمی‌توانست به دست آورد، کسب نماید.
- میزان احتیاط آمریکا و کشورهای منطقه را در برخورد با کره شمالی افزایش داده است.
- کشورهای منطقه را به سمت مصالحه و سازش با کره شمالی سوق داده است.

این امر می‌تواند در بردارنده امتیازات اقتصادی، سیاسی و امنیتی قابل توجهی برای این کشور باشد. لذا هزینه‌های مشارکت کشورهای منطقه را افزایش داده و میزان دریافتی کره شمالی را نیز بالا برده است.

سؤال سوم این است که: «تبعات منفی هسته‌ای شدن کره شمالی، برای این کشور و منطقه چه خواهد بود؟»

- مهمترین آثار منفی هسته‌ای شدن کره شمالی را باید در موارد زیر جستجو کرد:
 - اشاعه تسلیحات هسته‌ای و در نتیجه، بروز رقابت تسلیحاتی در منطقه شرق آسیا؛ زیرا با دستیابی کره شمالی به سلاح هسته‌ای، کشورهای درگیر با این کشور، توجیه لازم را برای خود به دست آورده و به سمت دستیابی به این نوع تسلیحات سوق داده است.
 - این مسئله بهانه‌های لازم را در اختیار کشورهای منطقه خواهد گذاشت و این منطقه پر تنش را به سمت تنش‌های بیشتر که ناشی از رقابت هسته‌ای و متعارف است، پیش خواهد برد. در نتیجه، هزینه‌های نظامی کشورهای درگیر در معضل امنیتی را افزایش خواهد داد.

- این مسئله همچنین بهانه‌های لازم برای حضور و افزایش حضور آمریکا در منطقه را افزایش می‌دهد. حضور و افزایش حضور آمریکا در منطقه نیز هزینه‌های امنیتی و نظامی و اقتصادی منطقه را بالا خواهد برد. این مسئله دور باطلی از کنش و واکنش را در منطقه استمرار خواهد بخشید.

تأثیر مسائل هسته‌ای کره شمالی بر پرونده هسته‌ای ایران الف - مشابهت‌های دو کشور

اگر چه از نظر ماهیتی می‌توان پرونده هسته‌ای کره شمالی را بی‌ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران دانست، اما محیط امنیتی و شرایط سیاسی که این دو پرونده در بستر آنها شکل گرفته و به مرحله کنونی رسیده است، تا حد بسیار زیادی به هم شبیه و از برخی جهات نیز به هم وابسته هستند. از این رو، می‌توان آنها را دارای مشابهت‌ها، تفاوت‌ها و تأثیر متقابل بر یکدیگر دانست. شاید بتوان مشابهت‌های آنها را به شرح زیر برشمرد:

۱) نخست آنکه هر دو کشور ایران و کره شمالی، از نظر آمریکایی‌ها در لیست محور شرارت ادعایی قرار دارند و به قول آنها، هر دو کشور یاغی تلقی می‌شوند. از این منظر، دیدگاه آمریکایی‌ها بر این بوده و هست که این دو کشور، به فناوری هسته‌ای (و در نتیجه به تسلیحات هسته‌ای) دست نیابند. تمامی تلاشهای آمریکایی (و غربی‌ها) نیز بر این روال ادامه داشته است.

مدت‌های مدیدی است که کره شمالی در دستورکار امنیتی و تهدیدات آمریکا (و تا حدی کره جنوبی و ژاپن) قرار گرفته است که از این منظر، زیان‌های فراوانی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی نصیب این کشور شده است. همچنین، ایران تابوی بزرگ "نزدیکی به دیوار هسته‌ای جهان" را شکسته و این در حالی است که قدرتهای بزرگ دنیا در تلاشند تا این تابو را برای دیگران همچنان زنده و استوار نگه دارند. (بازتاب، ۲۵ مهر ۱۳۸۵)

۲) دومین تشابه را می‌توان در سرسختی هر دو کشور ایران و کره شمالی در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا دانست که سال‌ها این روند را ادامه می‌دهند. مهمتر از همه اینکه این دو کشور علی‌رغم همه تلاش‌های غرب برای به زانو در آوردن آنها، همچنان ایستادگی می‌کنند و زیر بار زیاده‌طلبی‌ها و باج‌گیری‌های آنها نمی‌روند.

۳) مشابهت دیگر در این است که هر دو کشور، سال‌هاست که تحت تحریم آمریکا قرار دارند، اما توانسته‌اند با اراده سیاسی و اجتماعی قوی، از سد این تحریم‌ها عبور کرده و علی‌رغم وجود مشکلات فراوانی که از ناحیه تحریم‌ها بر آنها تحمیل شده است، روی پای خود بایستند.

۴) هر دو کشور به نمادی از ایستادگی و مقاومت در برابر زورگویی‌های استکبار جهانی تبدیل شده‌اند و توانسته‌اند تا حد بسیار زیادی، استقلال سیاسی خود را تضمین و حفظ نمایند.

ب - تفاوت‌ها

علی‌رغم شباهت‌های متعددی که میان دو پرونده هسته‌ای ایران کره شمالی وجود دارد، از نظر حقوقی، سیاسی، اقتصادی و موقعیت منطقه‌ای و جهانی، میان دو کشور تفاوت‌های زیادی وجود دارد که این تفاوت‌ها، وضعیت منطقه‌ای و بین‌المللی دو پرونده را متفاوت کرده است.

در همین چهارچوب، برخی از کارشناسان نیز بر این عقیده‌اند که روند دو پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی با هم متفاوتند. مثلاً "یوسف بن علوی" وزیر امور خارجه عمان در این رابطه معتقد است که: «جامعه بین‌المللی تفاوتی میان برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی قایل است». وی افزود: «ایران در برنامه هسته‌ای خود به تعهدات بین‌المللی پای‌بند است، در حالی که کره شمالی ضمن خارج شدن از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تأکید کرد که به فعالیتهای هسته‌ای نظامی خود ادامه می‌دهد». وی خاطرنشان کرد که کشورهای

عضو شورای همکاری خلیج فارس در خصوص حل پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از راه‌های دیپلماتیک اتفاق‌نظر دارند. بن‌علوی تصریح کرد که منطقه خلیج فارس هم‌اکنون دوران طلایی خود را طی می‌کند، بنابراین باید در جهت جلوگیری از ایجاد تنش و جنگ در این منطقه کوشا باشیم (ایرنا، ۱۹ مهر ۱۳۸۵). بدین ترتیب می‌توان برخی از تفاوت‌های دو پرونده و دو کشور به شرح زیر برشمرد:

(۱) کشور ایران از بسیاری جهات، تفاوت‌های فاحشی با کشور کره شمالی دارد. ایران به دلیل برخورداری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، قرار داشتن در میان دو حوزه انرژی جهان، برخورداری از منابع وسیع زیرزمینی، اقتصاد در حال توسعه، جمعیت زیاد و جوان و بسیاری از متغیرهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دیگر، قابل مقایسه با وضعیت کشور کره نیست. این امر شرایط و وضعیت برخورد با دو کشور و تصمیم‌گیری درباره آنها را با تفاوت‌های فاحشی مواجه می‌کند.

(۲) ایران کشوری است که به دلیل در اختیار داشتن بسیاری از مزیت‌های نسبی و گاه مطلق فراوان، با بسیاری از کشورهای جهان دارای ارتباطات وسیع سیاسی و اقتصادی است که این ویژگی در مورد کشور کره شمالی وجود ندارد. زیرا کشور کره شمالی، یک کشور منزوی است که از تأثیر منطقه‌ای زیادی برخوردار نیست. در عوض، شاخص‌های ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، باعث وابستگی بسیاری از کشورهای جهان به این کشور شده است و کشورهای غربی و شرقی نمی‌توانند این وابستگی را نادیده گرفته و از آن به راحتی بگذرند.

بر اساس آخرین اطلاعات موجود، ایران دارای ۱۳۰/۸ تا ۱۳۳/۸ میلیارد بشکه ذخیره نفتی و ۲۶۷۰۰ میلیارد متر مکعب ذخیره گازی است. بدین ترتیب، ایران دارای ۹/۷۷ تا ۱۰ درصد ذخایر نفت جهانی و ۱۶/۵۶

درصد ذخایر گاز جهان است که تنها دو کشور عربستان سعودی (با ۲۶۲/۷ میلیارد بشکه) و کانادا (با ۱۷۸/۹ میلیارد بشکه) از نظر ذخایر نفتی و کشور روسیه از نظر ذخایر گازی، دارای مقام بالاتری نسبت به ایران هستند.^۱ چنین ویژگی‌هایی نه تنها در کشور کره شمالی وجود ندارد، بلکه در آینده نیز وجود نخواهد داشت.

۳) ایران کشوری است که در میان کشورهای جهان، دارای طرفداران و حامیان استراتژیکی و تاکتیکی زیادی است که در مورد کره شمالی وجود ندارد. کشورهای اسلامی، اعضای جنبش عدم تعهد، اعضای سازمان کنفرانس اسلامی، گروه‌های مبارز مسلمان و ... همه در حوزه تأثیر و نفوذ جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. بدیهی است این کشورها همان‌گونه که از سیاست‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران متأثرند، دارای قابلیت‌های تأثیرگذار بر روند امور منطقه‌ای و جهانی نیز می‌باشند.

۴) ایران بر خلاف کره شمالی، دارای اهرم‌های فشار و قدرت فراوانی در ابعاد اقتصادی، روانی، اجتماعی و نظامی است که استفاده از هر کدام از آنها می‌تواند اختلالات جدی را در روند مسائل منطقه‌ای و جهانی پدید آورد، در حالی که چنین اهرم‌هایی در اختیار کشور کره شمالی نیست.

۵) از نظر پرونده‌هسته‌ای نیز وضعیت ایران با کره شمالی تا حد زیادی متفاوت است. زیرا:

- ایران هنوز عضو NPT می‌باشد و بر اساس چهارچوب‌های این سازمان به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای می‌پردازد. در حالی که کره شمالی در دهم ژانویه ۲۰۰۳ رسماً از عضویت در معاهده منع تکثیر تسلیحات هسته‌ای (NPT) انصراف داده (خبرگزاری آفتاب، ۱۳ دی ۱۳۸۳) و

1. CIA: the world factbook, rank order – Oil proved reserves, 6 June 2006.
Oil - proved reserves ranking of countries; CIA World factbook, January 2005.
CIA: the world factbook, rank order – Oil proved reserves, 15 May 2006.
CIA the world factbook, Gas-proved reserved ranking of countries, January 2005.

مدت حدود سه سال است که فعالیت‌های خود را بدون توجه به مفاد و چهارچوب آن انجام می‌دهد.

- ایران تاکنون کلیه همکاری‌های خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه داده و بیشترین همکاری را با این سازمان داشته است، در حالی که کره شمالی از مدت‌ها قبل، همکاری خود را با این سازمان قطع کرده است.

- تأسیسات هسته‌ای ایران به صورت وسیع و فراتر از روال متعارف، تحت بازرسی و کنترل آژانس انرژی اتمی قرار داشته‌اند، در حالی که چنین مشابهتی در مورد کره شمالی وجود ندارد.

- ایران تاکنون از چهارچوب مفاد آژانس خارج نشده و هیچ نوع شواهدی دال بر انحراف از صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای آن به دست نیامده است. در حالی که نتیجه برنامه هسته‌ای کره شمالی، به آزمایش هسته‌ای و تولید بمب (یا کلاهک) هسته‌ای منتهی شده است.

محمدعلی مهتدی نیز بر این اعتقاد است که «دو کشور ایران و کره شمالی تفاوت‌های بسیاری با هم دارند. دو کشور کره شمالی و ایران در یک منطقه نیستند و از نظر ایدئولوژی و شکل نظام حاکم با یکدیگر بسیار تفاوت دارند. طبیعی است که ایران وقایع مربوط به کره شمالی را نیز با دقت دنبال کند و البته سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال آزمایش هسته‌ای اخیر، تأیید کره شمالی نیست. زیرا ایران به عنوان عضو معاهده منع انتشار سلاح اتمی، خواهان خلع سلاح هسته‌ای و مخالف تولید این‌گونه سلاح‌هاست، اما در عین حال، ایران مخالف هرگونه اعمال سیاست‌های تهدید و ارباب و فشار و باج‌خواهی نیز هست و معتقد به حل مشکلات از طریق مذاکره است. لذا سیاست آمریکا نسبت به کره شمالی را تأیید نمی‌کند و این عدم تأیید زمانی جدی‌تر می‌شود که آمریکا بی‌توجه به تفاوت‌های یاد شده، هر دو کشور را همزمان و با یک زبان تهدید

می‌کند. البته آمریکا برای فشار آوردن بر کره شمالی و ایران، گزینه‌های عملی و مؤثری در اختیار ندارد و به همین دلیل است که جورج بوش اعلام کرده برای حل مسئله کره شمالی و ایران، اولویت با تلاش دیپلماتیک است، هرچند دیگر گزینه‌ها را نیز نباید منتفی دانست.» (مهدی، روزنامه جام‌جم، ۲۵ مهر ۱۳۸۵)

در مورد متفاوت بودن دو پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی، سفیر و نماینده دائم روسیه در سازمان ملل نیز دیدگاه موافقی دارد. وی می‌گوید «موضوع هسته‌ای کره شمالی و برنامه هسته‌ای ایران، دو مسئله متفاوت و کاملاً جدا از هم هستند. «ویتالی چورکین» روز سه‌شنبه به خبرنگاران گفت: «مسئله هسته‌ای کره شمالی و ایران جدا از هم است و باید به صورت جداگانه و جدی با آنها برخورد شود». وی افزود که در شورای امنیت، موافقت عمومی وجود دارد که باید با مورد کره شمالی مقابله شود. وی ابراز امیدواری کرد که از عقل و تدبیر برای رسیدگی به این موضوع استفاده شود و سایر هم‌تاهای خود را در شورای امنیت در مورد این امر نصیحت کرد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ مهر ۱۳۸۵)

پ - مقایسه دو پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی

علی‌رغم تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که دو پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی با هم دارند، روند تحولات و کیفیت شرایط آنها، می‌تواند دربردارنده درس‌ها، عبرت‌ها و یا فرصت‌ها و تهدیدات مشابه و نزدیکی باشد. پیامدها و آثار مثبت و منفی موجود در این دو پرونده، برای هر دو طرف می‌تواند آموزنده و دارای آثار متقابلی بر روند فعلی و آینده آنها باشد. برای این تطبیق می‌توان پیامدهای مثبت و منفی و تهدیدات و فرصت‌هایی که برای پرونده هسته‌ای کره شمالی ایجاد شده را محاسبه و انطباق آنها را بر پرونده هسته‌ای ایران، در نظر گرفت:

۱- یکی از پیامدهای منفی ناشی از پرونده هسته‌ای کره شمالی، تحریم توسط شورای امنیت است. بالاخره شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آرا قطعنامه‌ای را که در آن تحریم‌هایی علیه کره شمالی اعمال شده است، به تصویب رساند.

تمامی ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل به این قطعنامه رأی مثبت دادند. این قطعنامه خواستار نابودی تمام برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای، تسلیحات کشتار جمعی و موشک‌های بالستیک کره شمالی است. در این قطعنامه همچنین زمینه برای ممنوعیت سفر مقامات کره شمالی که روی چنین برنامه‌هایی کار می‌کنند، فراهم شده است. همچنین انتقال هرگونه فناوری در زمینه موشک‌ها، تانک‌ها، سیستم‌های توپخانه بزرگ و ناوهای جنگی و هواپیماهای جنگنده ممنوع شده است. در این قطعنامه همچنین بازرسی از محموله‌هایی که به کره شمالی وارد و یا از آن خارج می‌شود، برای جلوگیری از هرگونه قاچاق غیرقانونی گنجانده شده است. علاوه بر تحریم‌های مالی و دیگر تحریم‌ها، قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل از کره شمالی می‌خواهد که بدون پیش‌شرط به مذاکرات شش‌جانبه بازگردد. (سایت بازتاب، ۲۳ مهر ۱۳۸۵)

چنین قطعنامه‌ای می‌تواند وضعیت وخیمی را بر کره شمالی مستولی سازد و امنیت مردم این کشور را بیش از پیش به مخاطره اندازد. هر چند برخی از کارشناسان مسائل منطقه‌ای بر این اعتقادند که قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل برضد کره شمالی، بسیار سبکتر از چیزی بود که آمریکایی‌ها در مانورهای سیاسی خود علیه این کشور تبلیغ می‌کردند. این امر بار دیگر نشان داد برخلاف تبلیغات جهانی مبنی بر لزوم رویکرد صلح‌آمیز و عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بیش از همه، قدرت واقعی نظامی برای قدرت‌های بزرگ مهم است. امروز هم چیزی که بیش از همه آمریکایی‌ها را نگران می‌کند، قدرت نامعلوم و ناشناخته پاسخگویی و یا همان واکنش کره شمالی در برابر تدابیر نظامی است که آمریکا درصدد اعمال آن علیه کره شمالی بود. (سایت بازتاب، ۲۳ مهر ۱۳۸۵)

۲- در کنار این پیامد، فرصت خوبی که برای کره شمالی ایجاد شده، کاهش احتمال حمله نظامی آمریکا به این کشور است. زیرا اینک به نظر می‌رسد که برای آمریکا «هم بسیار سخت و هم بسیار دیر شده است که بتواند به کره شمالی تعرض کند. سختی کار در این است که کره شمالی به سلاح هسته‌ای مجهز شده

و حمله به این کشور، بسیار پرهزینه خواهد بود. حتی احتمالاً متحدین منطقه‌ای آمریکا، مخالفت جدی‌تری را با این کشور در خصوص حمله نظامی به کره شمالی خواهند کرد. چین و روسیه نیز صرف‌نظر از اینکه کره شمالی متحد سیاسی آنهاست، صرفاً به خاطر فاجعه‌ای که در نتیجه حمله نظامی به کره شمالی در سطح منطقه به وجود خواهد آمد، با هرگونه اقدام نظامی به‌طور جدی مخالفت خواهند کرد. تنها گزینه ممکن، تحریم اقتصادی و سیاسی شدید است که آن هم بعید است کره شمالی را که بیش از نیم قرن است در تحریم به سر می‌برد، از پای درآورد.» (شفیعی، همشهری، ۲۹ مهر ۱۳۸۵، ۱۰)

۳- فرصت دیگری که بر اثر توان هسته‌ای برای کره شمالی ایجاد شده است، تغییر موازنه قوا در شرق آسیا به سود این کشور و به زیان ژاپن و کره جنوبی (و حتی به زیان آمریکا) می‌باشد. اینک شاید بهترین راهکارها برای طرف‌های درگیر این باشد که (شفیعی، همان):

- از انجام بیشتر آزمایش‌های هسته‌ای کره شمالی جلوگیری کنند.
- از وخیم‌تر شدن وضعیت جاری جلوگیری کنند.
- چگونگی برقراری مجدد موازنه قوا را بررسی کنند.
- چگونگی تأمین امنیت منطقه (و جهان) را که به مخاطره افتاده است، بررسی کنند.

«حسام کفانی» روزنامه‌نگار عرب‌زبان در روزنامه «الخلیج» در این مورد خاطر نشان کرده است که: «وضعیت در مورد کره شمالی طور دیگر است. آخرین نظرسنجی کارشناسان استراتژیک بیانگر این است که عملیات نظامی واشنگتن علیه پیونگ یانگ به علت ترس از اینکه همپیمانان آمریکا در منطقه، به ویژه ژاپن، در معرض حمله هسته‌ای قرار بگیرند و تبدیل به سومین فاجعه هسته‌ای شود، بعید است.» (خبرگزاری مهر، ۱۷ مهر ۱۳۸۵)

در تحقیق و مقایسه موارد بالا با پرونده هسته‌ای ایران، می‌توان گفت کم و

بیش این فرصت‌ها و چالش‌ها در مورد پرونده هسته‌ای ایران نیز صادق است. در یک‌سال اخیر، برخی از این شرایط کاملاً به اثبات رسیده است. این بدان معنی است که در برابر پرونده هسته‌ای، همان‌گونه که کره شمالی متحمل هزینه شد، ایران نیز باید هزینه‌هایی را متحمل شود و از سوی دیگر، ممکن است در آینده دارای فرصتهای قابل توجهی، خاصه در ابعاد امنیتی باشد.

اما برداشت‌هایی که از پرونده هسته‌ای کره شمالی به زیان ایران استفاده می‌شود را نباید از نظر دور داشت. در اینجا می‌توان دو برداشت متقابل را مورد بررسی قرار داد:

۱) **برداشت با رویکرد منفی:** نخست آنکه پرونده هسته‌ای کره شمالی می‌تواند یک عامل منفی با تأثیرگذاری منفی بر پرونده هسته‌ای ایران تلقی شود. با این فرضیه، ممکن است آمریکاییها چنین ادعا کنند که سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران نیز چیزی بهتر از برنامه هسته‌ای کره شمالی نخواهد بود. یعنی آنها استدلال می‌کنند که اگر برنامه هسته‌ای ایران کنترل و یا متوقف نشود، در نهایت به تولید سلاح هسته‌ای منجر می‌شود. اگر آنها بتوانند با این استدلال که مصداق خارجی و عینی نیز دارد، جامعه جهانی را قانع کنند، آنگاه این احتمال قوت خواهد گرفت که بر تعداد حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا افزوده شده و حتی سازمان ملل نیز قانع شده و یک اجماع بین‌المللی علیه ایران شکل گیرد. نتیجه چنین اجماعی نه تنها به زیان ایران است، بلکه می‌تواند پیامدهای منفی متعدد و متنوعی را به بار آورد. در این صورت، برنامه هسته‌ای ایران می‌تواند منشأ بروز تهدید و یا تهدیداتی علیه ایران به‌شمار رود. نتیجه این اجماع همان دو قطعنامه ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ و آثار پیامدهای منفی آنهاست که در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ بروز کرد. در چنین حالتی، ایران ممکن است با اتهام همیشگی آمریکایی‌ها، یعنی "ایستادگی در برابر خواست جامعه بین‌المللی" و نظایر آن روبه‌رو شود. آمریکایی‌ها روی ارتباط پرونده ایران با کره شمالی به‌طور مبالغه‌آمیزی

سخن‌پراکنی می‌کنند. برخی محافل نظامی آمریکا همچنان مدعی هستند که کره شمالی به پیشرفت ساخت موشک‌های دوربرد به ایران کمک کرده است. آنها حتی ادعا می‌کنند که کارشناسان ایران هنگام انجام آزمایش اخیر هسته‌ای در کره شمالی حضور داشته‌اند. این در حالی است که به اعتراف خود آنان، فناوری هسته‌ای کره شمالی بر اساس غنی‌سازی پلوتونیوم است، در حالی که ایران اورانیوم را غنی‌سازی می‌کند و چون برای این اشکال پاسخی ندارند، می‌گویند بعید نیست کره به ایران در جهت تولید پلوتونیوم از اورانیوم غنی شده کمک کند و آنگاه فناوری غنی‌سازی پلوتونیوم را در اختیار ایران بگذارد. آنها دامنه اتهامات را از این هم گسترده‌تر کرده و ابراز می‌دارند که بین کره شمالی، ایران و سوریه هم‌پیمانی وجود دارد و تبادل فناوری و تسلیحات بین این سه کشور، امنیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد. بنابراین، اولویت کنونی جدا کردن این سه کشور از یکدیگر از طریق محاصره کامل کره شمالی است. (مهدی، همان)

۲) برداشت با رویکرد مثبت: مقایسه مسئله کره شمالی با ایران را می‌توان به طریق عکس نیز نگاه کرد. یعنی چنین استدلال کرد که اگر کره شمالی تحت فشار و تحریم‌های طولانی مدت منطقه‌ای و بین‌المللی قرار نمی‌گرفت و اعضای مذاکره‌کننده در گروه مذاکرات شش‌جانبه به تعهدات خود در برابر کره شمالی عمل می‌کردند، در این صورت احتمال داشت که کره شمالی مواضع خود را تعدیل کرده و دیپلماسی دیگری را در دستورکار قرار دهد. بنابراین، استدلال اینکه اعمال فشارهای بین‌المللی علیه کره شمالی منجر به ایجاد وضعیت کنونی شده است، می‌تواند به برنامه هسته‌ای ایران نیز تسری داده شود. در صورت قانع کننده بودن این استدلال، احتمال افزایش احتیاط‌ها در برخورد با ایران، افزایش خواهد یافت و احتمال ایجاد اجماع بین‌المللی نیز شکننده‌تر خواهد شد. اما اگر این برداشت شکل گیرد و محقق شود، چه اتفاقی خواهد افتاد. مهدی معتقد است «آمریکا نمی‌تواند همزمان در چند جبهه علیه کره شمالی، ایران،

سوریه، لبنان و فلسطین عمل کند. در حالی که خود در باتلاق‌های افغانستان و عراق گرفتار است و پافشاری روی این رفتار عواقب و نتایجی در منطقه و در سطح بین‌المللی پدید می‌آورد که آمریکا قادر به مقابله با آنها نخواهد بود.»

اما عده دیگری از کارشناسان بر این اعتقادند که هدف اصلی از هر دو برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی، تنها ممانعت ایران از دستیابی به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای است و لذا معیارهای برخورد غرب را دوگانه می‌دانند.

«حسام کفانی» در روزنامه عرب زبان «الخلیج»، نحوه برخورد جامعه بین‌المللی با برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و مانع‌تراشی در برابر دستیابی این کشور به فناوری صلح‌آمیز و در مقابل عدم برخورد جدی با فعالیت‌های هسته‌ای نظامی کره شمالی را دوگانه خوانده است. وی در این باره می‌نویسد: «برخورد جامعه بین‌المللی با برنامه‌های هسته‌ای ایران و کره شمالی بسیار متفاوت است و بردوگانگی معیارهای بین‌المللی و همچنین نهایت ارتباط بین قدرت و تحرکات بین‌المللی در این باره تأکید دارد، به طوری که ادعا می‌شود سلاح هسته‌ای (کشوری مانند کره شمالی) فقط سلاحی پیشگیرانه است و حتی برای مقابله با هرگونه حمله نظامی و یا تحرکات دیپلماتیکی علیه این کشور به کار برده خواهد شد.» وی ادامه می‌دهد که: «نشست اخیر نمونه خوبی برای برخورد (دوگانه) مجامع بین‌المللی با این دو مسئله (ایران و کره شمالی) است. در حالی که کشورهای ۵+۱ نشستی را در لندن برای بررسی موضوع تحریم‌ها علیه ایران به این منظور که این کشور دست از غنی‌سازی اورانیوم برنمی‌دارد و در عین اینکه ایران بارها این مسئله را اعلام کرده است که غنی‌سازی را با اهداف صلح‌آمیز انجام می‌دهد، گرد هم آمدند، شورای امنیت سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای غیرالزام‌آور، از پیونگ یانگ خواست تا آزمایشات هسته‌ای خود را انجام ندهد. این بدان معنی است که (وجود) بمب هسته‌ای کره شمالی امری قطعی است، همانطوری که پیونگ یانگ این موضوع را طی نشست کشورهای غیرمتعهد در

کوبا اعلام کرد». این تحلیلگر روزنامه الخلیج خاطر نشان کرد: «اگر چه رویکرد بین‌المللی فقط در جهت ممانعت از آزمایش هسته‌ای پیونگ یانگ است، در نتیجه توجهات فقط معطوف به ایران و برنامه‌های (صلح‌آمیز) هسته‌ای آن است». این تحلیلگر درباره رفتار دوگانه جامعه بین‌المللی در قبال برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و فعالیتهای هسته‌ای نظامی کره شمالی نوشت: «تفاوت‌ها بسیار زیاد است. شورای امنیت سازمان ملل متحد بدون آنکه نامی از اعمال تحریم‌ها ببرد، در نظر دارد تا تدابیر اتخاذ کند و همچنین از کره شمالی نخواست است که برنامه‌های هسته‌ای‌اش را متوقف کند، بلکه فقط از این کشور خواست تا آزمایشات هسته‌ای خود را انجام ندهد». (خبرگزاری مهر، ۱۷ مهر ۱۳۸۵)

نتیجه‌گیری

با وجود تشابهات، تفاوتها و تأثیرات متقابل دو برنامه هسته‌ای بر یکدیگر، به نظر می‌رسد که نحوه برخورد با آنها از روشها و کانالهای متفاوتی صورت گیرد. زیرا همان‌گونه که بیان شد، علی‌رغم آنکه ج.ا.ایران دارای اهرمهای فشار و ابزارهای قابل توجهی برای اثرگذاری بر روند تصمیم‌گیری غرب و شورای امنیت است، حتی برای کره شمالی که آزمایش هسته‌ای نیز انجام داده است، مجازاتهای اعلام شده چندان سنگین نبودند. اما اینکه آیا سرنوشت پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی نیز یکسان خواهد بود، جای تردید است. ضمن آنکه مجموعه فشارهای وارده بر ایران را در دو سال اخیر (و خاصه از آغاز تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ و متعاقب آن، قطعنامه ۱۷۴۷) نباید نادیده گرفت. اما از دید مقایسه‌ای، به‌طور کلی سه گزینه اصلی برای برخورد با پرونده هسته‌ای ایران وجود دارد:

- ۱) برخورد با گزینه نظامی.
- ۲) برخورد با مجازاتهای اقتصادی (و یا محاصره اقتصادی که متعاقب بی‌نتیجه ماندن تحریمها، اتخاذ خواهد شد).

۳) دستیابی به یک روش جمعی و مشترک برای غنی‌سازی (در قالب یک کنسرسیوم بین‌المللی).

اتخاذ گزینه اول در حال حاضر (در کوتاه‌مدت) و با توجه به شرایط و گرفتاریهای نظامی آمریکا، از احتمال کمی برخوردار است، اما به نظر می‌رسد که این گزینه هنوز از دستورکار گروههای افراطی در آمریکا و خلاصه لابی صهیونیست خارج نشده است. اکثر تحلیلگران مسائل نظامی، حقوقی و سیاسی بر این اعتقادند که غرب قادر به حمله نظامی علیه ایران نیست. از جمله آقای "اروند آبراهامیان" معتقد است که: «آمریکا نمی‌تواند به ایران حمله کند». وی که گفته می‌شود تحلیلگر برجسته مسائل ایران است، در گفتگویی با یک روزنامه‌نگار (بابک آذین)، اظهار داشت: «نومحافظه‌کاران آمریکایی قصد و توان حمله به ایران را ندارند و تلاش می‌کنند مدل انقلاب نارنجی اوکراین را در ایران پیاده کنند». وی می‌گوید: «... اگر آمریکا دست به مداخله نظامی بزند، بسیاری از مخالفان جمهوری اسلامی در داخل از اعتراض خودداری خواهند کرد. بارها و بارها دیده‌ایم که در شرایط مداخله نظامی قدرت خارجی، عموماً مردم باز هم به حمایت از دولت خود هر چند هم که با آن مخالف باشند، می‌پردازند. ...» (سایت

شریف‌نیوز، ۲۲ فروردین ۱۳۸۴)

اما مقامات آمریکایی همچنان بر طبل این گزینه می‌کوبند، به طوری که در یکی از برنامه‌های فاکس‌نیوز، "والتر راسل مید" از شورای روابط خارجی آمریکا در پاسخ به این سؤال که اگر ایران به هشدارهای آمریکا گوش ندهد، چه اتفاقی خواهد افتاد، گفت: «در این صورت ما در وضعیتی قرار خواهیم گرفت که همه گزینه‌های خوب دیگر وجود نخواهد داشت». (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۴/۴/۱۴)

گزینه دوم، گزینه‌ای است که از سوی غربی‌ها قابل اعمال است، کم‌اینکه در مدت بیش از ۲۷ سال گذشته نیز اعمال شده است. اما به نظر می‌رسد که این گزینه (علی‌رغم تنگنانهایی که ایجاد کرده و خواهد کرد) از تأثیر چندان زیاد و استراتژیکی بر روی ایران برخوردار نباشد. زیرا ایران این تجربه را از ۲۷ سال

پیش تاکنون با خود داشته است. اما اگر این تحریم به نوعی محاصره شدید منجر شد، ممکن است دارای پیامدها و آثار منفی باشد.

آقای "گارت اوانس"^۱ در ارتباط با گزینه‌های دوم و سوم نیز بر این اعتقاد است که: «افزایش منابع مالی ناشی از افزایش قیمت‌های نفت، اثرات منفی درگیری آمریکا در عراق و برخورداری از حمایت‌های مردمی، دلایل اصرار ایران برای دستیابی به غنی‌سازی اورانیوم بوده است. مباحث زیادی در رابطه با "حق" ایران برای برخورداری از سیکل کامل غنی‌سازی صورت گرفته که هنوز هم ادامه دارد. اما شکی نیست که وجه سیاسی مسئله مهمتر از وجه حقوقی آن است. از طرف دیگر، سه کشور اروپایی [انگلستان، فرانسه و آلمان] در مذاکرات با ایران موفق نبوده‌اند، تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت هم در به راه آوردن این کشور مؤثر نخواهد بود و کفه نتایج مصیبت‌بار اقدامات نظامی علیه ایران بسی سنگین‌تر از نتایج مثبت آن است.

در مورد اول، اروپاییها اساساً قادر به پاسخگویی به مهمترین دل‌نگرانی‌های امنیتی ایران نبوده‌اند. به علاوه، حتی اگر پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع شود، مخالفت‌های روسیه و چین، اجازه وضع تحریم‌های اقتصادی با "دندانهای گزنده" علیه ایران را نخواهد داد. از جانب دیگر، عدم تمرکز امکانات هسته‌ای ایران که برخی در زیرزمین و در مواضع تقویت شده و بعضاً در نزدیکی مراکز جمعیتی قرار دارند، سد بزرگی در راه عملیات نظامی مؤثر "وسیع یا جراحی‌گونه" علیه تأسیسات این کشور است. در صورت بروز این اقدامات، شاهد افزایش شدید و شیوع اقدامات تروریستی و تحرکات خصمانه مسلمانان در سراسر منطقه خواهیم بود». اوانس معتقد است که هنوز دو گزینه برای حل و

۱. اوانس ۸ سال وزیر امورخارجه بلژیک بود و در حال حاضر رئیس هیئت مدیره "گروه بحران بین‌المللی" است. وی این سخنان را در روز ۲۷ فوریه (۱۷ اسفند)، در سمیناری تحت عنوان "راهی برای خروج از بحران هسته‌ای ایران" در مؤسسه کارنگی در واشنگتن به میانداری مدیر این نهاد پژوهشی، خانم جسیکا ماتیزو، ایراد کرده است.

فصل صلح‌آمیز این مناقشه از طریق مذاکرات باقی مانده است. اولین آلترناتیو، "غنی‌سازی صفر" است. زیرا از این طریق و در مذاکرات اروپا با ایران و با حمایت کامل آمریکا، تهران معتقد می‌شود تا در برابر تضمین‌های بین‌المللی دریافت سوخت هسته‌ای از خارج، دسترسی به فناوری هسته‌ای، تضمین‌های امنیتی کافی، و امتیازات اقتصادی چشمگیر (مانند حذف تحریم‌ها و برداشته شدن سد ورود این کشور به سازمان تجارت جهانی)، برای همیشه از حق خود برای هرگونه عملیات غنی‌سازی صرف‌نظر کند و تضمین‌های محافظتی را با ابعاد وسیع برای نظارت بر سایت‌های هسته‌ای خود بپذیرد. این مطلوب‌ترین گزینه [برای غرب] است، اما امکان دستیابی به آن عملاً غیرممکن است، زیرا به دلایل حقوقی و سیاسی آشکار، ایران هیچ‌گاه دامن این حق مسلم خود را رها نخواهد کرد. توافق اخیر ایران و روسیه در مورد اجرای پروژه مشترک را هم می‌توان در اعداد راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز قلمداد نمود. اما آشکار است که هنوز مسائل حل نشده بسیاری باقی مانده است. همان‌طور که معمولاً گفته می‌شود، توافق در مورد "کلیات" مسائل آسان است. توافق بر سر "جزئیات" است که مسئله سازند.

(میرفخرایی، ۱۲ اسفند ۱۳۸۵)

اوانس در نهایت تنها راه واقع‌بینانه سیاسی قابل دستیابی را پی‌گیری تحقق گزینه دوم، یعنی "تعلیق غنی‌سازی محدود" می‌داند. در این گزینه، حق ایران برای برخورداری از سیکل کامل غنی‌سازی مواد هسته‌ای در داخل کشور توسط جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود. در برابر، از ایران خواسته خواهد شد تا کلیه عملیات مربوط به این کار را برای دوره‌ای ۳ یا ۴ ساله به تعویق اندازد و با محدودیتهایی در خصوص میزان و اندازه غنی‌سازی و تضمین‌های محافظتی بین‌المللی موافقت کند. وی در انتها یک روند سه مرحله‌ای را پیشنهاد کرده و می‌گوید: «در شرایط فقدان راه‌حل عملی مسالمت‌آمیز، اگر گزینه تعویق غنی‌سازی پی‌گیری نشود، کار به شورای امنیت و برقراری تحریم‌های اقتصادی خواهد کشید که نه تنها نمی‌توانند ایران را سر به راه کند، بلکه بر عکس بهانه

خوبی به دست تهران برای خروج از پیمان منع گسترش [تسلیحات] هسته‌ای خواهد داد و این کم و بیش همان حادثه نامطلوبی است که در مورد کره شمالی اتفاق افتاد. با این تفاوت که این بار با احتمال زیاد، یک رشته جریانات منجر به گسترش تسلیحات را سبب خواهد شد و البته از آن بدتر و فاجعه‌آمیزتر، اقدامات نظامی "پیشگیرانه" است که وضعیت عراق در حال حاضر را تداعی می‌کند. (همان) در ارتباط با گزینه نظامی، خانم رایس در مصاحبه با شبکه "ان.بی.سی" گفت: «هر چند آمریکا گزینه نظامی را رد نمی‌کند، ولی این کشور امیدوار است از طریق شورای امنیت یا اتحادیه اروپا و اگر لازم باشد از طریق ائتلافی از کشورهای همفکر آمریکا، مسئله را به‌طور دیپلماتیک حل و فصل کند.» ولی ناظران معتقدند که برای آمریکا راه مؤثرتری برای برخورد با ایران وجود دارد و آن مذاکره مستقیم با این کشور است. در ماه‌های اخیر، بسیاری از مقامات پیشین دولت آمریکا و نیز نمایندگان کنگره این کشور (اعم از دموکرات و جمهوری خواه) از کاخ سفید خواسته‌اند تا وارد مذاکره مستقیم با ایران شود. سناتور "چاک هگل" عضو کمیته روابط خارجی مجلس سنا در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی "سی.ان.ان" گفت: «خودداری کاخ سفید از شرکت در مذاکرات اتحادیه اروپا با ایران، باعث شده که این گفتگوها به نتیجه‌ای نرسد.» به عقیده این سناتور جمهوری خواه، هسته اصلی تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا باید مذاکره مستقیم آمریکا و ایران باشد. با این همه، اظهارات اخیر وزیر خارجه آمریکا حاکی از آن است که آمریکا نه تنها تصمیم به مذاکره مستقیم با ایران در خصوص برنامه اتمی این کشور نگرفته است، بلکه از ارائه تضمین‌های امنیتی به دولت ایران هم خودداری می‌کند. (سبحانی، ۲۱ مه ۲۰۰۶)

در عوض، یک سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در گفتگو با "بی.بی.سی" تأیید کرده است که در مارس گذشته (۲۰۰۶)، بخشی تحت عنوان "اداره ایران" باهدف برنامه‌ریزی و بررسی اوضاع ایران در پنتاگون تأسیس شده است. وی که

خواست نامش فاش نشود، گفت در حال حاضر، پنج کارشناس در اداره ایران فعالیت می‌کنند. آنچه باعث نگرانی برخی کارشناسان شده، این است که تعدادی از اعضای این اداره، از نومحافظه‌کاران بخش موسوم به "برنامه‌ریزی ویژه" هستند که نقش مهمی در طرح‌ریزی حمله آمریکا به عراق داشته‌اند. به گفته عده‌ای از تحلیلگران، با وجود کم تعداد بودن کارشناسان این اداره، توانایی آن در شکل‌دهی به سیاست کاخ سفید علیه ایران، نباید دست‌کم گرفته شود. "پل پیلار" تحلیلگر سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) معتقد است که تحولات اخیر، در مجموع حاکی از آن است که احتمال حمله نظامی علیه ایران افزایش یافته است. (کامیاب، ۳۱ شهریور ۱۳۸۵)

اما در هر صورت، سرانجام هر دو پرونده هسته‌ای و گزینه‌ای که انتخاب خواهد شد، به چند عامل اساسی بستگی دارد که تحقق و یا عدم تحقق آنها می‌تواند ورقهای آینده این داستان را رقم بزند:

- ۱) میزان اراده و جدیت ملی دو کشور.
- ۲) اهرمهای فشار و قدرت طرفهای درگیر (در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی).
- ۳) واقع‌نگری جهان در مورد شرایطی که ممکن است اتفاق بیفتد.
- ۴) میزان اجماع جهانی در قبال پرونده‌های هسته‌ای.
- ۵) تحولات وضعیت و شرایط در محیط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.
- ۶) دیدگاه رهبران و دولتمردان کشورهای درگیر.
- ۷) میزان هزینه‌ها و فایده‌های نهایی پرونده‌های هسته‌ای.
- ۸) میزان تأثیرگذاری منطقه‌ای و جهانی از برخورد ناشیانه و شتاب‌زده با پرونده‌های هسته‌ای ایران و کره شمالی (خاصه در مورد ایران که به نظر می‌رسد دارای پیامدهای منفی به مراتب بیشتری نسبت به کره شمالی برای منطقه و جهان است).

منابع فارسی

- ۱- شلزینگر، رابرت دی. (۱۳۷۹)؛ *دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم (۱۸۹۷-۱۹۹۷)*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲- قاسمی، حاکم (بی‌تا)؛ *کنترل تسلیحات نامتعارف: ضرورتها و مواضع*، پژوهشکده علوم دفاعی - استراتژیک دانشگاه.
- ۳- آسیا، همشهری آنلاین، کره شمالی در حلقه قدرت هسته‌ای جهان، ۲۸ مهر ۱۳۸۵.
- ۴- پروفیسور سعید محمودی (۴ ژانویه ۲۰۰۶)؛ *انرژی هسته‌ای ایران از آغاز تا امروز*، استکهلم، سایت حقوق.
- ۵- چگونگی آغاز فعالیتهای هسته‌ای ایران در زمان شاه، ۲۴ آبان ۱۳۸۵، سایت دکتر سعید.
- ۶- مهدی علیخانی (۱۶ بهمن ۱۳۸۴)؛ *شاه و اتم*، سایت شریف نیوز.
- ۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۵/۷/۱۹ تاریخ‌نگاری تحولات هسته‌ای کره شمالی.
- ۸- سایت بازتاب (۱۱ مهرماه ۱۳۸۵)؛ *کره شمالی آزمایش هسته‌ای انجام می‌دهد*.
- ۹- تهران، ایرنا (۱۱ مهر ماه ۱۳۸۵)، *کره شمالی تهدید به آزمایش سلاحهای هسته‌ای کرد*.
- ۱۰- رامتین راوندی (۲۸ مهر ۱۳۸۵)؛ *مروری بر تاریخ آزمایشهای هسته‌ای، همشهری آنلاین*.
- ۱۱- سایت بازتاب (۱۷ مهر ۱۳۸۵)؛ *اولین آزمایش بمب اتمی کره شمالی برای مجبور کردن آمریکا به مذاکره مستقیم*.
- ۱۲- سیدقاسم منفرد (۱۳۸۵)؛ *پاکستان اتمی: سنجش مقدرات و قابلیتها*، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی - ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال ۴، ش ۴۰.
- ۱۳- دکتر نوذر شفیعی (۲۹ مهر ۱۳۸۵)؛ *آزمایش هسته‌ای کره شمالی: چرا و چگونه؟*، روزنامه همشهری.

- ۱۴- سایت بازتاب (۲۸ شهریور ۱۳۸۴)؛ دستهای پر کره شمالی در خروج از بحران هسته‌ای.
- ۱۵- خبرگزاری آفتاب (۱۳ دی ۱۳۸۳)؛ تاریخچه هسته‌ای کره جنوبی در سال ۲۰۰۳.
- ۱۶- خبرگزاری مهر (۳۱ خرداد ۱۳۸۲)؛ کره شمالی به آمریکا هشدار داد.
- ۱۷- سایت بازتاب (۱۷ مهرماه ۱۳۸۵)؛ اولین آزمایش بمب اتمی کره شمالی برای مجبور کردن آمریکا به مذاکره مستقیم.
- ۱۸- کوروش فتاحی (۱۳ آبان ۱۳۸۲)؛ سلاح هسته‌ای: فرصت یا تهدید؟ (بررسی موردی تجربه کره شمالی)، روزنامه ایران.
- ۱۹- سایت بازتاب (۲۵ مهرماه ۱۳۸۵)؛ دشمن درجه یک یا متحد استراتژیک ایران هسته‌ای؟.
- ۲۰- تهران، ایرنا (۱۹ مهر ۱۳۸۵)؛ وزیر خارجه عمان: برنامه‌های هسته‌ای ایران و کره شمالی.
- ۲۱- محمدعلی مهتدی (۲۵ مهر ۱۳۸۵)؛ کره شمالی و ایران، روزنامه جام‌جم.
- ۲۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۱ مهر ۱۳۸۵)؛ سازمان ملل، سفیر روسیه: مسئله هسته‌ای ایران و کره شمالی موضوعات کاملاً جدا از هم هستند؛
- ۲۳- سایت بازتاب (۲۳ مهر ۱۳۸۵)؛ بالاخره قطعنامه علیه کره شمالی به تصویب رسید.
- ۲۴- سایت بازتاب (۲۳ مهر ۱۳۸۵)؛ جریمه ناچیز قدرتهای بزرگ برای هشتمین صاحب بمب اتم در جهان.
- ۲۵- خبرگزاری مهر (۱۷ مهر ۱۳۸۵)؛ جامعه بین‌المللی در قبال موضوع هسته‌ای ایران و کره شمالی رفتار دوگانه دارد: عملیات نظامی واشنگتن علیه پیونگ یانگ بعید است، ترجمه از روزنامه الخلیج.
- ۲۶- خبرگزاری فارس (۲۵ مهرماه ۱۳۸۵)؛ ژاپن آزمایش هسته‌ای کره شمالی را مانع توسعه میدان نفتی آزادگان خواند.
- ۲۷- سایت شریف‌نیوز (۲۲ فروردین ۱۳۸۴)؛ آمریکا نمی‌تواند به ایران حمله کند.
- ۲۸- خبرگزاری مهر (۱۴ تیر ۱۳۸۴)؛ فاکس نیوز گزینه‌های حمله نظامی به ایران را بررسی کرد.

- ۲۹- هوشمند میرفخرایی (۱۲ اسفند ۱۳۸۵)؛ از حلقه نخبگان راهی (دیگر؟) برای خروج از بحران هسته‌ای ایران، Washington Prism. اصل مقاله عبارت است از: [areth Evans, Iran: Is There a Way out of the Nuclear Impasse]
- ۳۰- نعیم سبحانی (۲۱ مه ۲۰۰۶)؛ دفتر بی‌بی‌سی، رایس: «صحت اعطای تضمین امنیتی به ایران عجیب است»، BBC.Persian.Com.
- ۳۱- پرویز کامیاب (۲۲ سپتامبر ۲۰۰۶)؛ دفتر بی‌بی‌سی - واشنگتن، آیا احتمال حمله نظامی به ایران افزایش یافته است؟.

English References

- 1_ USAF Counter Proliferation Center (September 1999); Israel's Nuclear Weapons: The Third Temple's Holly of Hollies, Army. U.S., LTC; Farr Warner D., Air War Collage.
- 2_ CIA: the world factbook (6 June 2006); rank order – Oil proved reserves.
- 3_ Oil - proved reserves ranking of countries (January 2005); CIA World factbook.
- 4_ CIA: the world factbook (15 May 2006); rank order – Oil proved reserves.
- 5_ CIA the world factbook (January 2005); Gas-proved reserved ranking of countries.